

نشریه دانشجویی دانشگاه تهران
بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
مدیر مسئول: بهاره نورمحمدی
سر دبیر: صبا پویان
هفته سوم آذرماه ۱۴۰۱

ویژه نامه ۱۶ آذر



سیاست زدگی و سیاست بازی به هیچ وجه مورد تأیید نیست اما سیاست گری و برخوردار شدن از قدرت فهم و تحلیل سیاسی، نیاز مبرم دانشجویان و دانشگاههاست.

مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۵/۰۷/۲۵

سخن سر دبیر

صبا پویان

۱۶ آذر؛ نقطه عطفی که شاید برای برخی کلیشه‌ای مضحک و برای برخی دیگر یادآور هویت کسی باشد که نامش گره به واقعیتی تاریخی خورده است؛ دانشجو. برای حل معمای مطالبه‌گری قشر دانشجو، باید از یاران عاشقی حکایت کنیم که در هیاهوی چند نسل قبل‌مان، فریادشان پاسخی جز گلوله و خون نداشت. همان‌ها که در گرماگرم آغوش بیگانه و برق امید به آمریکا در چشمان خودی، فقط غارت سرمایه‌هایی را می‌دیدند که جز با عرق پیشانی چندین و چندساله مردمی مظلوم اما مقتدر، به دست نیامده بود. همان دانشجویانی که اکنون آن‌ها را قشر فرهیخته و نخبه مملکت می‌نامیم، سال ۱۳۳۲ تنها هدفشان آگاهی بخشی و موشکافی از بی‌لیاقتی محمدرضای متوهمی بود که به دنبال آن دستور شقه شقه کردنشان!! را صادر کرد. حالا و پس از ۶۹ سال، مطالبات دانشجویان مملکت نه تنها کاسته نشده، بلکه بیشتر و بیشتر هم شده. حال خطاب به آقایان مسئولی که سکان‌دار حل مشکلات کشور هستند بگوییم، کسانی که بی چشم‌داشت و به طور شبانه روز از نفرآباد و هفت تپه تا فجایع فساد و رانت و گرانی، خود را در کنار مردم می‌بینند و صرفاً حضور در کلاس و تورق کتاب برایشان دغدغه نیست، دانشجویانی با ایده‌هایی راهگشا برای حل مسائل مبهم کشورند و چشم به راه گوش‌های شنوای مسئولانی هستند که صفحات دفترشان از مطالبات این قشر، خاک نخورده، دردشان را شنیده و فقط ۱۶ آذرها به سراغ دانشگاه نمی‌آیند!

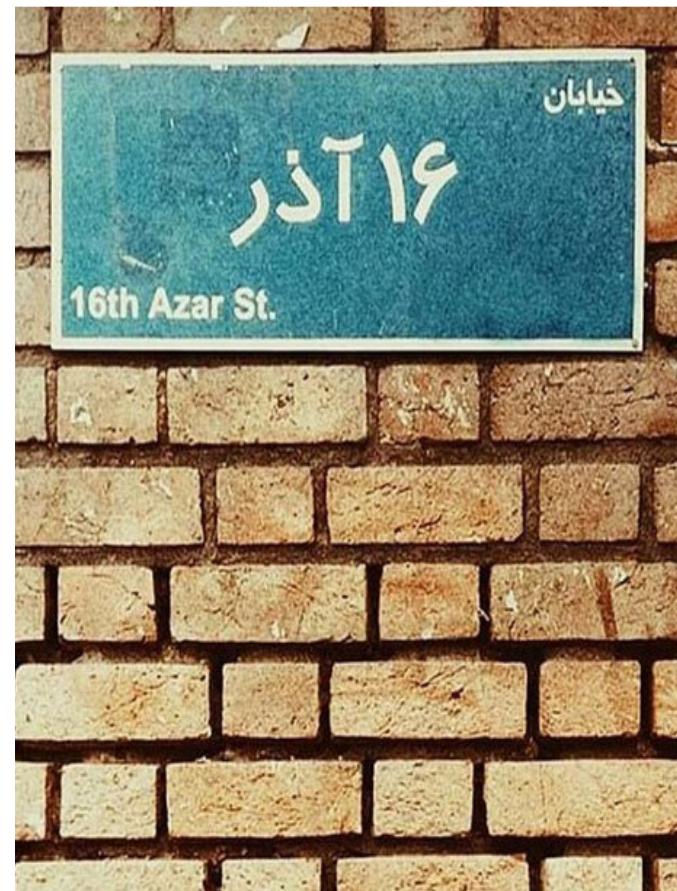
موذن! یکبار دیگر، اذان بگو

تبیین نقش دانشجوی فعال به مثابه موذن جامعه و بررسی نقش دانشگاه و دانشجو در اصلاح جامعه
حسنا فارسی

شاید آن روزی که شهید بهشتی گفتند: "دانشجو موذن جامعه است و اگر خواب بماند نماز امت قضا می‌شود"، نگران روزی بودند که خیل عظیم غافلان و جاهلان را دانشجویان تشکیل دهند و این سلبریتی‌ها، فوتبالیست‌ها، خوانندگان و سایر افراد ناآگاه به مسائل باشند که بخواهند به دانشجو خط بدهند. پاسخ اینکه "نقش دانشجو در جامعه چیست؟" روزگارانی‌ست که از یاد ما رفته؛ شاید از همان روزهایی که دشمن دیالمله‌ها، مفتاح‌ها، مطهری‌ها و بهشتی‌ها را از ما گرفت و شاید از روزهای بعدتر که علاوه بر درد دست و پاهای جامانده در خط مقدم، درد و سوزش ترکش‌های جنگ نرم هم ما را گرفتار کرد؛ شاید هم از آن موقعی که آقایان چسبیدند به صندلی‌های قدرت و مانع گردش نخبگان شدند و به تبع آن به جوانان میدانی برای عملی کردن پیشنهاداتشان ندادند. دانشجو، نه آموزنده دانش است و نه تعلیم دهنده آن؛ بلکه دانشجو جست و جوگر دغدغه‌مندی‌ست که به دنبال حقیقت است؛ حقیقتی که این روزها کمتر دانشجویانی به دنبال آنند؛ به راستی چه کسی طالب حقیقت است؟! دانشجو که نماینده جامعه نخبگان و تحصیل کردگانی‌ست که طبیعتاً و در نهایت خواستار اصلاح و رشد جامعه و پیش‌قراولان آگاهی بخشی به توده مردمند. آگاهی ملت‌ها به آگاهی نخبگان آنها بستگی دارد چراکه مردم به افراد متخصص در هر زمینه اعتماد می‌کنند و از آنان حرف‌شنوی دارند، لذا افزایش سطح آگاهی مردم، موضوع مهمی است که دانشجویان به عنوان قشر نخبگانی باید تمام توان خود را برای آن به کار بگیرند. همانطور که در بسیاری از بزنگاه‌های تاریخ می‌بینیم حرکات اثرگذار و مهم از دانشگاه‌ها و فضای تشکل‌های دانشجویی آغاز شده و سپس این امواج به عوام رسیده و آنان را نیز خروشان کرده، بزنگاه‌هایی همچون ۱۶ آذر، تسخیر لانه جاسوسی و...



حقیقتاً این روزها، این روزها که دیگر بلندگوی زن، زندگی، آزادی از دست اکثریت معترضان پایین افتاده و هر چند در خفا به کار خود ادامه می‌دهد اما در ظاهر پایان گرفته، وقت آن رسیده که یکبار دیگر هویت دانشجو را بازخوانی و احیا کنیم، ببینیم واقعا چه شد که دانشجوی به اصطلاح نخبه ما در تریبون آزاد بگوید برای فهم معنی زن، زندگی، آزادی به آهنگ "برای" شروین حاجی پور مراجعه کنید. واقعا چه شد دانشجویی که خود باید خط و مشی جامعه را مشخص کند، در همان وهله نخست برای شناساندن آرمان‌هایش یک موزیک را معرفی کند؟! آری هر جنبشی برای از پای نیفتادن به انگیزه‌های احساسی نیازمند است؛ اینکه بخواهد موسیقی، هنر، کتاب و سایر ابزارها را نیز برای به نتیجه رسیدن به دست بگیرد؛ اتفاقاً نشانه خوبیست اما آیا در اتاق فکر آهنگ "برای"، دانشجویان معترض نشسته بودند و فکرهايشان را روی هم ریخته و ارزش‌ها و آرمان‌هایشان را نوشتند و سپس از دل آن ایده آل، چهره‌ها ترانه‌ای سرودند؟! این فقط یک مصداق است اما واقعیت دردناک‌تر این است که قشر طالب علم و دانش خواهان آزادی‌هایی شده‌اند که عقلاً انسان را به شک می‌اندازد که شاید اینان دچار بحران هویت شده‌اند! می‌گویند مشکل مردم، مشکل اقتصادی‌ست، باشد اما مشکل اقتصادی هیچ ربطی به پرچم همجنس‌گرایی افراشته شده در دانشگاه تهران ندارد، واقعیت را بگوییم؛ اصلاً مردمی که درد نان دارند، ذره ای جا در ذهن خود برای فکر کردن به اعتراض عده‌ای برای برداشتن روسری و مشتقاتش ندارند؛ پس دانشجوی عزیزی که فکر می‌کند صدای مردم شده‌ای، نجوای مظلومانه مردم چیز دیگریست. در میان مشکلات دست و پاگیر، توجه به فعالیت مفتاح‌ها و دیالمله‌های زمان که دغدغه‌شان تبیین مسائل اجتماعی بر محور و مدار شرع، دعوت به صراط مستقیم و ثابت قدمی در راه انقلاب و همچنین باز کردن فضا برای حضور پررنگ‌تر آن‌ها است، شاید بهتر باشد که ما نیز راهی نو آغاز کنیم، راهی نو برای دیالمله شدن، بهشتی شدن و مطهری شدن وقت آن رسیده که از نو، برای جایگاه موذنی تلاش کنیم و خود را چنان آماده کنیم که لایق این لقب باشیم و بتوانیم وظیفه و دین خود را به پیشکسوتان این میدان ادا کنیم.



کدام مسیر؟

بررسی تفاوت دانشجوی سیاسی و سیاست‌زده و تحلیل اهمیت جنبش دانشجویی در کلام رهبر معظم انقلاب
فاطمه هاشمی نژاد

دانشجوی سیاسی یا سیاست‌زده؟! این موضوع، از پراهمیت‌ترین مسائل انقلاب و چه بسا قبل از انقلاب بوده و این روزها هم در پی شرایط و آشفتنگی‌های جامعه، نمود پررنگ‌تر و موضوعیت بیشتری پیدا کرده است. اگر سخنرانی‌های مقام معظم رهبری را رصد کنیم، می‌بینیم که ایشان طی سالیان متمادی، به کرات در بیاناتشان، بر لزوم پیدا کردن قدرت تحلیل سیاسی دانشجویان و دانشگاه سیاسی و دانشجوی سیاسی تأکید کرده‌اند که نشان از اهمیت و ضرورت این مسئله دارد. یک دانشجوی تراز، بایستی اهل مطالعه، مباحثه و انتقاد بوده و نظراتش دارای پشتوانه منطقی و مستدل باشد. در وهله نخست، خود نسبت به مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه آگاهی و تحلیل پیدا کند و سپس این تحلیل‌ها را در اختیار مردم قرار دهد، موقعیت‌شناس بوده و در حوادث، موضع و واکنش مناسب نشان دهد و... این، همان مفهوم سیاست‌گری و دانشجوی سیاسی است که مد نظر رهبری است. اگر دانشگاه و جنبش دانشجویی را در دو بُعد ببینیم؛ بُعد اول، نمود بیرونی آن و فعالیت‌های دانشجویی است و بُعد دوم و پر اهمیت‌تر آن، بعد انتقادی و استدلالی است، یعنی پرداختن به پشتوانه فکری و چرایی این فعالیت‌ها که این مهم، مرتبط به همان قدرت تحلیل سیاسی است. ایشان، راه پیدا کردن این قدرت تحلیل سیاسی را از طریق خواندن، نوشتن، گفتن و شرکت در مباحثات می‌بینند و این را نیز از وظایف مهم تشکل‌های دانشجویی می‌شمارند. مقام معظم رهبری، به گفته خود، دانشجوی را یک روشنفکر تمام عیار مسلمان می‌بینند که نقطه مقابل آن تحجر سیاسی است؛ به معنای «تحجر ناشی از شکل‌بندی حزب و سازمان‌های سیاسی... که اصلاً امکان فکر کردن به کسی نمی‌دهند». و این دیدگاه، نمایانگر اهمیت و توجه ایشان به استقلال فکری دانشجویان، و مخالفت با تبعیت آنان از سیاستمداران و جهت‌دهی‌های سیاسی خارج از دانشگاه است. در باب فعالیت‌های سیاسی دانشجویی، نکته حائز اهمیت این است که باید از افراط و تفریط بر حذر بود. تفریط به این شکل است که افراد به کلی از فضای سیاسی فاصله بگیرند، درباره مسائل موضعی نداشته باشند و حرفی نزنند و افراط به این صورت که دانشجویان درگیر موضوعات بی ارتباط و بی اهمیت شوند. حال آنکه بایستی راه میانه پیش بگیرند. در راستای این فعالیت‌ها لازم است که به بُعد معرفتی

مذهبی نیز توجه شود. فهم صحیح مبانی اسلامی و علم به تفکر فلسفی اسلام، موجب می‌شود که فرد موقعیت خود را بشناسد و در حوادث، قدرت تحلیل پیدا کرده و وظیفه‌اش را به درستی تشخیص دهد. همچنین تقویت حافظه تاریخی نیز امری ضروری است، چنانکه در تاریخ اسلام می‌بینیم چگونه فقدان قدرت تحلیل سیاسی در بین مردم حتی دیندار زمانه، منجر به ایجاد گروهی از افراد به نام خوارج در زمان امیرالمومنین (ع) و شکست امام حسن مجتبی (ع) شد. رهبر انقلاب، بارها تأکید کرده‌اند که دانشگاه، محل علم و آگاهی و تحقیق است و وجود هر عامل مختل‌کننده‌ای در این فضا مردود است و باید از آن جلوگیری شود. آرامش محیط دانشگاه مسئله‌ای ضروری است، چنانکه اگر این آرامش برهم زده شود، حرکت علمی آن، کند و یا حتی متوقف می‌شود. این ایام، در دانشگاه، شاهد رفتارهایی از سوی برخی دانشجویان بودیم که به واقع مصداق سیاست‌بازی و سیاست‌زدگی بوده و به وضوح منجر به خدشه‌دار شدن روند علمی و آموزشی دانشگاه از طریق اعتصابات و تحصن‌ها و به دنبال آن عدم برگزاری بسیاری از کلاس‌ها شده است؛ این رخداد مشخصاً ابتدا به زیان همه دانشجویان و بعد به زیان جامعه و فضای علمی آن خواهد بود نکته مهم این است که اعتراضات دانشجویی اولاً باید دارای یک منطقی و استدلال محکم باشند. و ثانیاً در حوزه عمل، دانشجویان از طریق روش‌های صحیح مطالبه‌گری، اعتراض خود را به گوش مسئولان مربوطه برسانند، که احیاناً در

این میان، با شعار آزادی بیان و اندیشه، آزادی را از سایرین نستانند! چنانکه در این مدت شاهد رفتارهایی خارج از شان فضای دانشجویی در کف دانشگاه بودیم، همچون توهین و بکار بردن الفاظ رکیک و پرتاب سنگ، کفش و بطری به سوی گروه مقابل که حتی منجر به زخمی و مجروح شدن تعدادی از دانشجویان شد. و نیز جلوگیری علنی عده‌ای از ورود همکلاسی‌هایشان به کلاس و نهایتاً تشکیل نشدن آن، مورد آزار قرار دادن دختران محجبه در محوطه دانشگاه و حذف کردن عده‌ای از دانشجویان از گروه‌های درسی صرفاً بخاطر عقاید متفاوتشان و... که این موارد مشخصاً مصداق سلب آزادی دیگران و خلاف شعار اصلی خودشان است. بنابراین آنان که نظام حاضر را متهم به دیکتاتوری می‌کنند، در عمل نشان دادند خود دست هر دیکتاتوری را از پشت بسته و لحظه‌ای توان شنیدن سخن جبهه مقابل را ندارند. اگر کمی تأمل کنیم درمی‌یابیم اعتراض و انتقاد خوب است؛ اگر سازنده باشد! اگر در راستای اصلاح کاستی‌ها و نقاط ضعف و نواقص باشد! و الا این سیاست‌بازی‌ها و ایجاد اغتشاش و ناامنی در جامعه و بالاخص دانشگاه، رهاوردی جز توقف حرکت علمی و عقب‌گرد کشور ندارد. و در پایان، سخنی نقل کنیم از پیر فرزانه انقلاب، امام راحل (ره) که گفتند: «دانشگاه یک جامعه اگر اصلاح شود، آن کشور اصلاح می‌شود».

